

پیام آغاز سال تحصیلی رهبر معظم انقلاب بر ضرورت پیوند علم و اخلاق برای تحقق اقتدار ملی تأکید می‌کند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، آغاز سال تحصیلی فرصتی برای بازتعریف رسالت نظام تعلیم و تربیت و تعیین اولویتهای فرهنگی و آموزشی کشور است.

تحلیل پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی بهمناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که نگاه به مقوله آموزش، فراتر از انتقال صرف دانش فنی، بر پایه‌ای چندبعدی، هویتی و تمدن‌ساز بنا شده است.

رویکرد چندبعدی به تربیت و ایدۀ خودافزایی

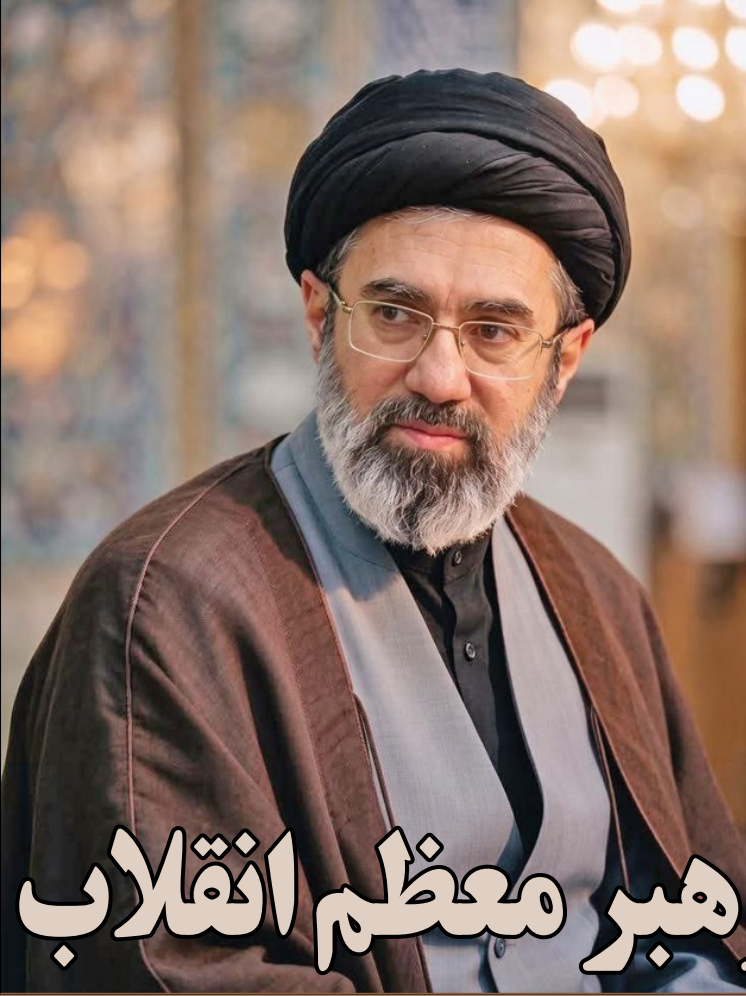
در الگوهای نوین آموزش، دانش محض بدون رشد شخصیتی و اخلاقی نمی‌تواند تضمین‌کننده تعالی فرد و جامعه باشد. در

کاربردی متناسب با نیازهای جهان امروز است. **پرورش تفکر انتقادی نوآوری و صیانت از هویت ملی** آموزش کارآمد باید توان تحلیل، تفکر و تصمیم‌گیری سنسنجیده را در دانش‌آموزان و دانشجویان بارور سازد. پیام رهبر معظم انقلاب با تمرکز بر «تمرین درست‌فکر کردن و نوآوری»، رسالت نظام آموزشی را از سطح یادگیری غیرفعال به پویایی فکری ارتقا می‌دهد.

هم‌راستا با این پرورش عقلانی، محافظت از ریشه‌های فرهنگی برجسته شده است. در متن پیام بر «پاسداری از هویت ملی، زبان مادری، پرچم و نمادهای نظام اسلامی» تصریح شده است؛ امری که نشان می‌دهد استقلال فکری و علمی زمانی نتیجه می‌دهد که ریشه در هویت ملی داشته باشد.

دفاعی در برابر فشارهای نظامی – امنیتی، تحریم‌ها، انحصارهای فناورانه و تهاجم‌های فرهنگی نظام سلطه به‌ویژه آمریکای چنانیکار شناخته می‌شود؛ جایی که دستیابی به «قدرت علمی آمیخته با اخلاق» به‌مثابه سدی در برابر فشارهای بیگانگان و استکبار توصیف شده و جایگاه محوری دانشگاه و مدرسه در تثبیت اقتدار و استقلال کشور بازتعریف می‌شود.

معیشت مؤلفه اساسی برای جامعه معلمان و اساتید هیچ تحولی در فرآیند یادگیری بدون ارتقای انگیزه و آرامش معلمان محقق نخواهد شد. در این پیام، نگاه به جایگاه معلمان و استادان فراتر از یک وظیفه‌اداری دانسته شده و بر «تکریم جایگاه والای معلمان و اساتید» تأکید شده است. در عین حال، پیام بر جنبه‌های ملموس



و ساختاری این منزلت نیز متمرکز می‌شود و «برنامه‌ریزی حکیمانه مسئولین برای بهبود وضعیت معیشتی فرهنگیان» را مطالبه می‌کند؛ رویکردی که نشان می‌دهد ثبات اقتصادی و حفظ کرامت مادی معلمان، پیش‌شرط بنیادین تحقق اهداف عالی تربیتی است. **پیوند نسلی و امتداد حافظه تاریخی** مدرسه و دانشگاه بستر انتقال تجارب و ارزش‌ها میان نسل‌هاست. اشاره به یاد

و شاهدهای دانش‌آموز، دانشجو و معلمان»، تأکیدی بر زنده نگه‌داشتن حافظه جمعی و الگوبرداری از ایثار و مسئولیت‌پذیری است.

این فراز از پیام نشان می‌دهد که موفقیت نسل جدید، در امتداد فداکاری‌های نسل‌های پیشین معنا می‌یابد و پیوند میان تعهد اجتماعی و رشد علمی، تضمین‌کننده امنیت و آینده روشن کشور خواهد بود.

پیام حضرت ایت‌الله‌سید مجتبی خامنه‌ای

کار کرد مدرسه و دانشگاه به‌عنوان «خانه دوم» و سنگر اقتدار مدرسه و دانشگاه مرکز بازتولید سرمایه اجتماعی و شتاب‌دهنده پیشرفت کشور به شمار می‌روند. تعبیر مدرسه و دانشگاه به‌مثابه «خانه دوم»، دلالت بر لزوم ایجاد فضای پرنشاط، امن و امیدبخش دارد تا محیط یادگیری به بستری برای شکوفایی استعدادها تبدیل شود. کسب دانش در این گفت‌و مان به‌عنوان سپر

متن پیام رهبر معظم انقلاب، دوران تحصیل نه‌صرفاً مرحله‌ای برای آموختن محفوظات، بلکه میدانی برای کمال همه‌جانبه معرفتی شده و تأکید شده است که محصلان باید با «تجهیز به علم، تقوا، اخلاق و دانیایی»، فرآیند «خودافزایی» را پیش ببرند. این گزاره ناظر بر لزوم تعالی سه‌گانه ابعاد وجودی نسل جوان یعنی تقویت بُعد معنوی و ارتباط با خالق، ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده و جامعه و کسب مهارت‌های

میانگین فاصله ازدواج تا تولد فرزند نخست به ۴۶ سال و فاصله بین‌فرزندی به حدود ۶ سال افزایش یابد؛ تأخیرهایی ساختاری که افزون بر کاهش پنجره باروری مؤثر، خطر نابوری اکتسالی و هزینه‌های نظام سلامت را به شکلی تصاعدی بالا می‌برد. از سوی دیگر، تمرکز اصلی افت مولدیت بر فرزندان اول و دوم که ستون فقرات بازتولید جمعیتی محسوب می‌شوند (از جمله افت مولدیت فرزند دوم از ۲۵۵ هزار به ۳۱۵ هزار واقعه میان سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴) در کنار ناهمگونی شدید جغرافیایی و سقوط فوق‌بحرانی باروری در استان‌هایی نظیر گیلان، مازندران و البرز،

– **درس آموخته‌های تطبیقی بین‌المللی؛ کشورهای نسبتاً موفق و ناموفق** تجربه کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی نشان می‌دهد که اتکالی صرف به مشق‌های نقدی مقطعی و پیاداش تولد، بدون اصلاح موانع ساختاری، نمی‌تواند روند کاهش باروری را معکوس کند. کرچنوبی، با وجود صرف صدها میلیارد دلار برای اجرای سیاست‌های جمعیتی، نتوانست از سقوط نرخ باروری کل به ۰.۷۲ جلوگیری کند؛ زیرا عواملی همچون هزینه سنگین مسکن شهری، مخارج بالای مراکز مراقبت از کودک و آموزش‌وپرورش کودک و تعارض پایدار



هشدار فرهنگستان علوم پزشکی به سقوط نرخ باروری

پنجره جمعیتی بسته می‌شود

نشان‌دهنده ناکارآمدی رویکردهای یکسان‌نگر و ضرورت طراحی مداخلات متناسب با ترویج ازدواج، تسهیل فرزندآوری زوجین جوان و مختصات منطقه‌ای است. نهایتاً باید گفت که «پنجره فرصت جمعیتی» کشور در حال بسته شدن است و فرصت جبران بر اساس شواهد متخدد کمتر از یک دهه است.

بخش دوم: تحلیل ساختاری عبرت‌های جهانی و آینده‌پیش‌رو

– **آسیب‌شناسی شکست جهت‌گیری‌های سیاستی موجود**

بخشی مهمی از سیاست‌های حمایتی موجود با خطای هدف‌گیری مواجه است؛ به‌گونه‌ای که منابع و امتیازات پرهزینه‌ای مانند واگذاری زمین ۲۰۰ متری، عمدتاً بر تولد فرزند اول و ثبات بالاتر تمرکز شده‌اند، حال آنکه بدون تسهیل تولد فرزند اول و دوم، دستیابی به مراتب بالاتر فرزندآوری عملاً امکان‌پذیر نیست. افزون بر این، هزینه سنگین آماده‌سازی زمین و تأمین زیرساخت‌ها، محدودیت اراضی قابل واگذاری و بوروکراسی ناشی از لزوم اجماع دستگاه‌های متعدد مسئول موجب شده است بیش از ۸۰ درصد متقاضیان به نتیجه نرسند. پرداخت منابع کلان در قالب حق اولاد و علاقه‌مندی کارکنان دولت نیز، به دلیل هدف‌گیری نامتناسب و اثر انگیزشی اندک، عملاً به بخشی از ترمیم حقوق تبدیل شده و تأثیر قابل‌سنجشی بر افزایش باروری نداشته است. در کنار این موارد، بالانگیزی بیش از یک میلیون متقاضی در صف دریافت وام ازدواج و نیازهای مراقبتی بلندمدت و هزینه‌های درمان سالمندان روبه‌رو خواهد شد.

بخش سوم: پیشنهاد مداخلات راهبردی مبتنی بر اولویت‌بندی اجرایی

فرهنگستان علوم پزشکی تأکید دارد که

اساس، مؤثرترین مداخله کوتاه‌مدت، پوشش صددرصدی و بدون آزمون وسع هزینه‌های اقلام پایه و اجتناب‌ناپذیر نوزاد، به‌ویژه پوشک تاب‌آوری جمعیتی بیشتری داشته باشند، بر توسعه خدمات همگانی و مقرون‌به‌صرفه مراقبت از کودک، کاهش هزینه‌های جاری خوراک، پوشاک و سلامت خردسالان و تسهیل اشتغال زنان با مرخصی‌های مدرانه و دورکاری تمرکز کرده‌اند، نه بر پرداخت‌های نقدی فاقد پشتهوانه خدماتی.

– تصویر آینده در صورت فقدان مداخله فوری و مؤثر

تداوم روند کنونی در دو تا سه دهه آینده، ایران را با یکی از شدیدترین بحران‌های سالمندی در آسیا مواجه خواهد ساخت؛ به‌گونه‌ای که سهم سالمندان از حدود ۱۳ درصد کنونی می‌تواند تا سال ۱۴۴۰ به ۳۲ درصد جمعیت، معادل بیش از ۲۵ میلیون نفر، افزایش یابد. این‌دگرگونی، افزون بر تشدید ناترازی و احتمال ناپایداری ساختاری صندوق‌های بازنشستگی، با کاهش جمعیت در سن کار، افت رشد و بهره‌وری اقتصادی، محدودشدن ظرفیت انباشت سرمایه و تضعیف همبستگی بین‌نسلی همراه خواهد بود. کاهش سهم جمعیت جوان همچنین می‌تواند ظرفیت‌های دفاعی کشور را محدود و چالش‌های امنیتی، به‌ویژه در مناطق مرزی، را تشدید کند. هم‌زمان، نظام سلامت نیز در شرایط محدودیت منابع عمومی، با افزایش فراینده بیمار یاری‌های مزمن و تحلیل‌برنده، نیازهای مراقبتی بلندمدت و هزینه‌های درمان فرزندان را باید از طریق تخصیص اعتبارات اهرمی پایدار بر قوانین بودجه سالانه و استقرار نظارت بر خط بر شبکه بانکی با هدف کاهش صف انتظار مهار شد.

اهتمام ویژه همه دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهاده‌ها به ایجاد اشتغال و درآمد پایدار برای جوانان در سنین ازدواج و تقسیم کار ملی در شورای عالی اشتغال از طریق درگیر شدن همه دستگاه‌ها در امر مهم اشتغال و درآمد پایدار جوانان.

تکمیل این بسته اصلاحی مستلزم بازمهندسی ساختار مالی حق اولاد و علاقه‌مندی و تبدیل آن از یک جزء ثابت و ناکارآمد حقوقی به پرداختی فعال، هدفمند و مشروط به بعد خانوار واقعی و متناسب با هدف‌های درآمدی نیازمند است.

– اولویت سوم: تحکیم زیرساخت‌های سلامت باروری، شبکه مراقبت و هم‌آرایی فرهنگی

صیانت از پنجره جمعیتی نیازمند هم‌راستاسازی حمایت‌های محیط کار، خدمات سلامت و بازنمایی فرهنگی است. در بعد مراقبت اجتماعی، رفع تعارض میان اشتغال زنان و مادری مستلزم الزام دستگاه‌های اجرایی و کارفرمایان بزرگ به رانداذاری و تأمین زیرساخت مه‌ودک‌های سازمانی و شبکهای استاندارد به‌صورت رایگان یا با یارانه مؤثر دولتی است تا امنیت شغلی مادران شاغل تضمین گردد. هم‌زمان بر بخش سلامت، اغام غربالگری زودهنگام نابورری در شبکه بهداشتی- درمانی کشور و پوشش بیمه‌ای صددرصدی و واقعی خدمات کمک‌باروری و دارویی، سریع‌ترین و انگیزه‌ترین ظرفیت تحقق مولدیت جدید را فعال می‌سازد.

در نهایت، پیش‌بینیانی هویتی و اقناعی از این‌ فرایند از طریق هدایت رسانه ملی و سایر رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی به سمت خلق آثار سینمایی، مستند و یوتوئامی‌های فاخر، اعتمادساز و به‌دور از شعارزدگی جهت بازنمایی کرامت و فضیلت مادری، منزلت فرزندآوری، تشویق ازدواج آسان و بهنگام و تعدیل انتظارات و تشریفات زائد ازدواج و الگوسازی مثبت با سبک زندگی صحیح مسئولین و فرزندان آنان محقق خواهد شد. هنر، فرهنگ و ادب باید با دسترسی در اختیار بیان لذت جصولان والدین از حضور فرزندان و مقابله با فردگرایی‌های افراطی قرار گیرند تا بالخصوص آرامش خاطر جوانان از منظر امنیت شغلی، ثبات سیاسی و مسائل زیست‌محیطی فراهم آید.

جمع‌بندی

فرهنگستان علوم پزشکی اعلام می‌دارد که سال‌های پایانی دهه جاری، آخرین فرصت تاریخی کشور برای مهار تله باروری و پابین و پیری جمعیت است. هرگونه غفلت، تمرکز بر سیاست‌های نمایشی و نادیده گرفتن متغیرهای واقعی رفاه خانوار، کشور – **اولویت دوم: گره‌گشایی از مسکن استیجاری جوانان و انضباط‌بخشی به وام‌ها و تأمین اشتغال و درآمد پایدار**

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اولویت امروز کشور برای خروج از بحران جمعیتی تشویق و پرداختن به ازدواج به‌عنوان محوری‌ترین اولونی‌ترین نقطه برای شروع فرزندآوری است. پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در موج چهارم نشان می‌دهد که همه ایرانیان تعداد ۲.۵ فرزند را ایده‌آل می‌دانند. برداشتن موانع از پیش پای جوانان و تسهیل ازدواج برای مجردین در سن باروری می‌تواند ایده‌آل ۲.۵ فرزند را محقق کند و چالش بزرگ امروز که با روند فعلی در سال ۱۴۸۰ جمعیت کشور به ۳۱ میلیون نفر خواهد رسید را با افزایش فرزندآوری به بالاتر از نرخ جایگزینی حل و رفع نماید.

صفحه ۱۰

سه‌شنبه ۷ مهر ۱۴۰۵

۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۴۷

غایبان امسال از همه حاضر ترند



«خانوم اجازه؟ می‌شه درس رو شروع کنیم؟ ما بچه‌ها، از اون دنیا حواسمون هست. نگران نباشید. ما غایبین امسال، از همه دانش‌آموزان دیگر، حاضر تریم.»

خبرگزاری مهر: معلمی داشتیم که هر زمان سر کلاس، حتی اگر یک نفر از دانش‌آموزانش غایب بود، درس را به فردا موکل می‌کرد؛ جای خالی دانش‌آموزش را مدام نگاه می‌کرد و از دوستانش حال و احوالش را می‌پرسید تا خیالش راحت شود که دانش‌آموز

غایبی یا خواب مانده است یا احتمالاً با یک مریضی خودساخته، برای یک روز هم که شده خودش را از آمدن به مدرسه معاف کرده. برای آن معلم، غیبت حتی یک دانش‌آموز هم کافی بود تا کلاس چیزی کم داشته باشد؛ چیزی که نمی‌گذاشت درس، آن‌طور که باید، پیش برود.

اما امسال، با آغاز مدارس و آمدن مهرماه — که احتمالاً جزو معدود ماه‌هایی است که عطر مخصوص خودش را دارد؛ مثل عطر نارنگی پوست‌کنده‌ای که ته کلاس باز می‌شود و بویش تمام محوطه را پر می‌کند، بوی کتاب و دفتر نو مدرسه یا حتی بوی لباس‌های فرم اتوکشیده و تمیز — گمان می‌کنم درس تعطیل است! درس معمول همیشه‌گی تعطیل است! کتاب‌ها را باید ببینیم؛ چرا که مهم‌ترین درس امسال، از خاطر نبردن آن میجثی است که جهان توتش، با زور و خشونت جنگ تحمیل کرد. قتل‌عام کودکان محصل، به عزا کشاندن عروسی، لامرد و بارش هزاران گلوله و امیرمحمدی که حتی به کلاس درس نرسید و فراموش نکردن کشته‌شدن کودکانی که قرار بود روزی آنها هم شکوفه‌هایی باشند در جشن آغاز مدارس، اما دست بی‌رحم قدرت‌طلبی و جنگ، خیلی زود آنها را چید.

بله، درس دادن تعطیل است؛ چرا که بیشتر از ۱۶۸ دانش‌آموز، غایبان کلاس درس ایران‌اند. غایبانی که دیگر قرار نیست هنگامی که صدای تیز زنگ‌تفریح را می‌شنوند، پله‌های راهرو را دوتا یکی کنند و به سمت حیاط بدوند یا با تأخیر به مدرسه برسند و از معلم بخواهند درس را دوباره توضیح دهد. غایبان امسال حتی نتوانستند به‌درستی املا‌ی جنگ را یاد بگیرند! بله از اندوه این غایبان، گنج روی تخته رنگ نمی‌دهد، مدادها رمق نوشتن ندارند و امسال معلم با نگرانی از این و آن می‌پرسد که حال شهیدانش چطور است؟ جایشان در دنیای دیگر خوب است؟ آنجا هم مدرسه‌ای هست تا بچه‌ها سر کلاس بروند؟ آنجا هم معلمی هست که حضور و غیاب کند؟

دیگر حتی نمی‌دانم این اعدادی که این‌گونه نماینده انسان‌های بی‌گناه به قتل رسیده است در روایت‌های این‌چنینی که کلمات با کنار هم قرار گرفتن، کمترین توان را برای بازگویی غم و رنج گذشته بر جان این مملکت دارند، از کجا وارد ادبیات ما شدند. «بیشتر از ۱۶۸ کودک» یعنی بیشتر از ۱۶۸ آرزو، ۱۶۸ لیخند، ۱۶۸ نور خانه و خانواده، ۱۶۸ عشق، بیشتر از ۱۶۸ دست کوچک که مأوایشان، دستان والدینشان بود و بیشتر از ۱۶۸ امید این مرز و بوم. احتمالاً معلم، امسال دمی آهسته بنشیند و به دیوارهای راهروی مدرسه نگاه کند؛ راهرویی که تا چند دقیقه بعد میزبان بچه‌هایی می‌شود که حالا پرنرگ‌ترین خاطراتشان دیگر صدای انفجارهای متمادی و ترس و واکنش والدینشان هنگام حفظ خان خود و عزیزانشان است. تا قبل از اینکه جنگ به مرزهای زندگی این بچه‌ها برسد، خاطراتشان از تابستان مسافرت‌های طولانی، بازی‌های بی‌وقفه و کلاس‌های متفاوتی که رفته‌اند، بود. اما حالا در ذهنشان، دوری اجباری از مدرسه و عادت کردن به هم‌زیستی با دوستانشان پشت صفحه آبی نمایشگرها و شنیدن صدای انفجار موشک‌ها، خاطره به حساب می‌رود.

اما هنوز به راهروی مدرسه با مقواهایی که به رنگ و شکل گل و ابر و ماه و خورشید درآمده‌اند و هرکدام لیخندی بر لب دارند، تریین شده است. انگار مدرسه می‌خواهد همان مدرسه همیشگی باشد؛ همان جایی که قرار است بچه‌ها با دیدن گل‌های کاشده و نقاشی‌های رنگارنگ، دوباره کودکی کنند. درست مثل همان اول مهری که مدرسه شجره طویه میناب خود را برای حضور فرشتگان خداوند مزین کرد تا به آنها در کلاس‌هایشان چیزی جز دوستی و صلح یاد ندهد؛ مدرسه‌ای که شاید آن روز نمی‌دانست تنها چند ماه زمان می‌برد تا خودش قربانی متجاوزان آمریکایی صهیونی شود که سالیان سال است دستش به رنگ خون آغشته شده است. چشمان معصوم کودکان میناب و چهره پاک کودکان دیگری که قربانی جنگ شده‌اند، از جلوی دیدگان معلم کنار نمی‌رود. میان آن‌همه گل و ابر و ماه و خورشید، جای خالی آنها بیشتر از هر چیزی به چشم می‌آید. بچه‌هایی که قرار بود همین روزها دوباره کیفشان را بردارند، وارد مدرسه شوند و سر کلاس درس مهر و دوستی را یاد بگیرند، حالا فقط در قاب‌عکس‌هایی پشت نیمکت مدرسه حضور دارند. صدای بچه‌ها توجه معلم را مثل همیشه به خود جلب می‌کند. نگاهش به حیاط معطوف می‌شود؛ بچه‌ها آنجا، به‌از به خوش کشیدن یکدیگر، دستان هم را گرفته‌اند و به سوی کلاس می‌آیند. صدای خنده دانش‌آموزان پس از گذراندن زمستان سخت و طاقت‌فرسا، دوباره در حیاط مدرسه پیچیده شده و کیف‌خانه مدرسه روی دوششان جان گرفته است و دفترهای نو، آماده‌اند تا اولین فصل‌های سال تحصیلی روی آنها نوشته شود. معلم همان‌طور که به بچه‌ها خبره مانده است، یک دست کوچک، درست مقابل چشمانش بالا می‌رود: «خانوم اجازه؟» معلم نگاهش می‌کند، «امروز شما درس رو شروع می‌کنید؟» معلم، با یادآوری غایبان امسال مردد در جواب می‌ماند و صدایی در گوشش می‌پیچد: «خانوم اجازه؟ می‌شه درس رو شروع کنیم؟ ما بچه‌ها، از اون دنیا حواسمون هست. نگران نباشید. ما غایبین امسال، از همه دانش‌آموزان دیگر حاضر تریم.»

درد جدایی و گریه جلوی در مدرسه واکنش کلاس‌اولی‌ها طبیعی است؟



یک روان‌شناس با تشریح تفاوت میان اضطراب جدایی طبیعی و اختلال اضطراب جدایی در دانش‌آموزان کلاس‌اولی، گفت: تفاوت اصلی این دو را باید در سه مؤلفه کلیدی یعنی شدت، تداوم و میزان اختلال عملکرد کودک جست‌وجو کرد. مه‌رنا: کردفلاحت در گفت‌وگو با ایسنا، دراین‌باره افزود: به‌طور کلی، اضطراب جدایی در کودکان به‌ویژه در سال‌های ابتدایی ورود به مدرسه، یک واکنش طبیعی و قابل انتظار است. مثلاً ممکن است یک کودک کلاس‌اولی در روزهای آغازین مدرسه هنگام جدا شدن از والدین گریه کند یا نگران باشد و بخواهد پدر یا مادرش کنار او بمانند. در بیشتر موارد با گذشت زمان، آشنایی با محیط مدرسه و شکل‌گیری احساس امنیت، این اضطراب به‌تدریج کاهش می‌یابد، اما زمانی که ترس و نگرانی کودک از جدایی شدت و تداوم غیرمتناسبی پیدا کند و در عملکرد روزمره او اختلال ایجاد کند، می‌توان به اختلال اضطراب جدایی مشکوک شد. این روان‌شناس با اشاره به نشانه‌های هشداردهنده گفت: اگر کودک به‌طور مداوم از رفتن به مدرسه خودداری کند یا نتواند بدون حضور والدین در محیط مدرسه بماند و نگرانی شدید و مکرری درباره جدا شدن از والدین داشته باشد یا این‌باره دچار علائم جسمانی مانند دل‌درد و سردرد شود، این وضعیت باید با دقت بیشتری بررسی شود. وی اظهار داشت: تفاوت اصلی میان اضطراب جدایی و اختلال اضطراب جدایی را باید در سه مؤلفه یعنی شدت، تداوم و میزان اختلال در عملکرد کودک در نظر گرفت. به بیان ساده، اضطراب جدایی به‌خودی‌خود بیماری محسوب نمی‌شود؛ زمانی که این اضطراب از حد متناسب با سن کودک فراتر برود و پایدار بماند و روند طبیعی زندگی، تحصیل یا روابط او را مختل کند، در چارچوب اختلال اضطراب جدایی قرار می‌گیرد.

علائم جسمی مشکناهی؛ نشانه‌ای از اضطراب بنیان مدرسه

کردفلاحت ادامه داد: علائم جسمی مانند دل‌درد، تهوع، سردرد یا حتی احساس ضعف در کودکان می‌تواند گاهی با اضطراب مرتبط باشد. به‌ویژه زمانی که این علائم بیشتر در صبح و پیش از رفتن به مدرسه ظاهر شوند و در روزهای تعطیل یا زمانی که کودک قرار نیست به مدرسه برود کاهش پیدا کنند، احتمال می‌رود که اضطراب در بروز این علائم نقش داشته باشد. البته صرف مشاهده این علائم به معنای وجود اضطراب نیست و باید به الگوی تکرار علائم و شرایطی که در آن ایجاد می‌شوند توجه کرد.

این روان‌شناس گفت: لازم است علل جسمی نیز در نظر گرفته شوند. اگر این علائم شدید باشند یا به‌طور مداوم تکرار شوند یا نشانه‌های جسمی دیگر همراه باشند، بهتر است ابتدا از نظر پزشکی بررسی شوند. مهم این است که بدون نسبت‌دادن فوری علائم جسمی به اضطراب، هم‌زمان شرایط روانی و محیطی کودک نیز مورد توجه قرار گیرد.

واکنش والدین در لحظه جدایی

کردفلاحت در مورد نحوه مواجهه والدین با گریه و امتناع شدید کودک هنگام ورود به مدرسه اظهار داشت: در چنین شرایطی مهم‌ترین نکته این است که والد با آرامش و همدلی با کودک برخورد کند و در عین حال از تقویت ترس و اجتناب او جلوگیری نماید. بهتر است ابتدا احساس کودک را بپذیرد و به او اطمینان دهد که می‌داند جدا شدن از والد برای او سخت است، برای مثال والد می‌تواند بگوید: «منم دلم الان ناراحتی و جدا شدن برایت سخت است، اما مطمئنم که از پس آن برمی‌آیی و بعد از مدرسه دنبالت می‌آیم.»

وی در این‌باره که اگر اضطراب کودک شدید باشد والدین چه واکنشی نشان دهند؟ گفت: نباید انتظار داشت که او یکباره و بدون استرس وارد مدرسه شود. در این حالت می‌توان شرایط را به‌صورت تدریجی برای او آسان‌تر کرد. برای نمونه کودک می‌تواند ابتدا مدت کوتاهی در محیط مدرسه بماند و با گذشت زمان، مدت حضور او افزایش یابد. این روند کمک می‌کند تا کودک به‌تدریج با محیط آشنا شده و احساس امنیت بیشتری پیدا کند. این روان‌شناس افزود: بهتر است والد وارد بحث‌های طولانی با کودک نشود و به دلیل گریه او، تصمیم به بازگرداندن کودک به خانه نگیرد. خدا حافظی باید کوتاه، مشخص و با آرامش باشد تا والد بتواند کودک را به معلم یا مسئول مدرسه بسپارد. هدف نهایی این است که کودک احساس کند ترس او دیده اما هم‌زمان یاد بگیرد که می‌تواند این موقعیت را تحمل کند. والد باید میان همدلی و قاطعیت تعادل برقرار کند؛ به‌گونه‌ای که نه کودک را به‌خاطر ترسش سرزنش کند و نه با دور نگه داشتن او از مدرسه، اضطرابش را تقویت کند.